

گشایش رسمی باب اجتهاد در علم رجال

مدیر گروه تاریخ اسلام مجتمع آموزش عالی امام خمینی(ره) با بیان اینکه باید رسماً باب اجتهاد در رجال را باز کنیم، اظهار کرد: نباید به عنوان مقلدان علمای پیشین فقط به ذکر اقوال آنان بسنده کنیم...



مدیر گروه تاریخ اسلام مجتمع آموزش عالی امام خمینی(ره) با بیان اینکه باید رسماً باب اجتهاد در رجال را باز کنیم، اظهار کرد: نباید به عنوان مقلدان علمای پیشین فقط به ذکر اقوال آنان بسنده کنیم، بلکه با بهره‌گیری از جوانب مختلف، به بازشناسی مسائل رجالی دست پیدا کنیم.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، نشست «بایسته‌های پژوهش درباره رجال غالی» سه‌شنبه شب، هفتم آبان‌ماه با سخنرانی نعمت‌الله صفری فروشانی، مدیر گروه تاریخ اسلام مجتمع آموزش عالی امام خمینی(ره) در پژوهشکده تاریخ اسلام برگزار شد.

بنا بر این گزارش، صفری فروشانی با بیان این‌که بحث رجال غالی مرتبط با علوم مختلفی است، عنوان کرد: اولین علم، علم کلام است، چرا که بسیاری از رجال یا متهم به غلو در سلسله روایتی واقع شده‌اند که اکنون ممکن است پایه‌های کلامی ما را تشکیل بدهند. اگر شما گونه‌شناسی کنید، می‌بینید که در طرح برخی از عقاید خاص، افراد خاصی وجود دارند که متهم به غلو هستند.

وی ادامه داد: دومین علم، علم فرقه‌شناسی است و باید مشخص کنیم که بحث غلوی که در علم رجال هست چه نسبتی با غلوی که در ملل و نحل هست، دارد. علم دیگر تفسیر است؛ چرا که در بسیاری از روایات تفسیری ما که معمولاً رویکرد تأویل‌گرایانه دارد، رجال متهم به غلو حضور دارند. اگر کسی در علوم قرآن بخواهد سند روایات تأویلی را بررسی کند، می‌بیند که بسیاری از آنها به رجال متهم به غلو ختم می‌شود. همچنین در درایة‌الحديث و خود علم حدیث می‌تواند حضور رجال غالی محل بحث جدی باشد.

صفری فروشانی با متذکر شدن این نکته که منظور از رجال غالی رجال متهم به غلو است، اظهار کرد: منظور ما از غلو رجالی هستند که در علم رجال با تعبیرهای مختلف به غلو متهم شده‌اند و حکمی رسمی به غلو آنها داده نشده است و اکنون ما آنها را غلو رسمی تلقی نمی‌کنیم و یکی از مشکلات اصلی ما هم همین است که این متهمان به غلو هنوز تبدیل به غالی نشده‌اند.

علم رجال از ابتدا نیمه‌مرده به دنیا آمد

وی در ادامه با بیان این‌که اگر علم رجال را يك علم به حساب بیاوریم، اکنون به عنوان يك علم مرده یا مختصر به حساب می‌آید، گفت: شاید اگر بگوییم که اصلاً علم رجال از ابتدا نیمه‌مرده به دنیا آمد، تعبیر اشتباهی نباشد؛ چرا که علم رجال بر مسئله‌ای پایه‌گذاری شده است که آن مسئله این علم را از هرگونه مانوری باز داشته است.

مشروعیت «شهادة عن حدس» در علم رجال

مدیر گروه فرهنگ و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی این مسئله را ابتدای قول رجالی بر «شهادة عن حدس» دانست و بیان کرد: این به این معناست که من وقتی می‌توانم بگویم فردی ثقة است که با حدس و در اثر معاشرت به یقین رسیده باشم که ثقة است. در مقابل «شهادة عن حدس»، «شهادة عن حدس» قرار دارد که به معنای این است که با تحلیل به این برسیم که شخصی ثقة هست یا نیست. برای مثال اگر از طریق مطالعه کتاب‌های يك فرد به وثاقت یا عدم وثاقت او برسیم، این «شهادة عن حدس» است.

وی خاطرنشان کرد: رجالیون با این مبنا عملاً دست و پای خود را بسته‌اند و عملاً مشروعیت تحلیل را در رجال از بین برده‌اند و هر چند رجالیون کنونی هم پایبند به «شهادة عن حدس» نیستند، اما در کنه مسئله آنچه حاکم است، همین اصل است. بنابراین اولین بایسته در علم رجال این است که ما خود را از پیله «شهادة عن حدس» برهانیم و ثابت کنیم که «شهادة عن حدس» در علم رجال مشروع است. این عملاً انجام می‌گیرد، اما از وجه نظری این بحث هنوز شکافته نشده است.

مدیر گروه تاریخ اسلام مجتمع آموزش عالی امام خمینی(ره) در ادامه به طرح این بحث پرداخت که با مبنا قرار دادن «شهادة عن حدس» چگونه می‌توان اتهام رجال غالی را تحلیل، اثبات یا رد کرد.

صفری فروشانی اولین گام در این مسیر را مفهوم‌شناسی «غلو» عنوان کرد و گفت: غلو به معنای زیاده از حد، بر دو قسم «غلو در ذات» و «غلو در صفات» است. غلو در ذات به معنای این است که شخصی را از مقامی که در آن قرار دارد، ذاتاً بالاتر ببریم و به مقام دیگری برسانیم و برای مثال امام را بالا ببریم و بگوییم که پیغمبر است یا پیغمبر را بالا ببریم و بگوییم که خداست. غلو در صفات نیز این است که شخص را در جایگاه خودش قرار دهیم، اما صفاتی را که مخصوص خداوند است، به او نسبت بدهیم که در دوره‌ای به این مسئله تفویض و به کسانی که به این مسئله قائل بودند، مفوضه می‌گفتند.

وی غلو مطرح در علم رجال را ناظر به غلو تفویضی و نه غلو الحادی دانست و بیان کرد: ائمه (ع) به شدت با غلو الحادی مبارزه کردند و شیعیان افراد منسوب به غلو الحادی را به خوبی شناسایی کرده و آنها را از دایره شیعه بیرون راندند و این یعنی از دایره اسناد روایات نیز آنها را حذف کردند و در کتاب‌های خود نیاروندند. بنابراین روایات افرادی در کتاب‌های شیعه آمده است که متهم به الحاد نیستند و این‌که غالبان در صفات حذف نشدند، باعث شده که قدرت پایایی و ماندگاری بیابند. یعنی چون در آثار معتبر و پایه‌ای ما هم حضور دارند، افکار آنها هم به عنوان افکار مقبول نزد ما پذیرفته شده است.

صفری فروشانی بایسته دیگر در زمینه پژوهش در باب رجال غالی را منبع‌شناسی دانست و بیان کرد: در این بخش بایستی از میان منابع دست اول، این غزائری را از دایره اتهام بیرون بکشیم و به عنوان یکی از منابع دست اول در کنار رجال شیخ طوسی، رجال نجاشی، رجال کشی و فهرست شیخ طوسی لحاظ کنیم.

تاثیر مکاتب کلامی بر منابع دسته دوم رجالی

وی افزود: همچنین باید توجه داشته باشیم که منابع دسته دوم که در قرن هفتم نوشته شده‌اند، تا حدی از مکاتب کلامی متأثر شده‌اند. منابع رجالی دست سوم هم در دوره قاجاریه و متأثر از برخی منابع اخباری نوشته شده‌اند که گاه در آنها سعی شده است که بسیاری از کسانی که متهم به غلو می‌شدند، ممتاز شوند و از آنها رفع اتهام شود. از قرن 11 به بعد جریانی درباره متهمان به غلو صورت گرفت که می‌گفتند این متهمان مقاماتی را برای ائمه (ع) قائل بوده‌اند که از سطح زمانه آنها بالاتر بوده و به اصطلاح عرفا و متصوفه اسرار هویدا می‌کرده‌اند و الان این فکر بر منابع رجالی ما حاکم است.

صفری فروشانی بحث بعدی را ناظر به شناخت متهم‌کنندگان دانست و بیان کرد: مهم است که ما بدانیم که فرد از سوی چه کسی متهم به غلو شده است. یک بحث زیربنایی در موضوع ما جریان‌شناسی در رجال است و صحیح نیست که رجال را در کتب رجالی و اقوال رجالیون در عرض هم ببینیم. این‌که اقوال رجالیون را ما در عرض هم به صورت یک متن خاموش هم ببینیم، درست نیست، بلکه باید این‌ها را به صورت جریان‌شناسی شده ببینیم. باید جریان‌های زمان ائمه (ع) را کشف کنیم؛ چرا که گاه جریان‌های مختلفی در اصحاب ائمه (ع) بوده‌اند و ما با طیف‌های مختلف غلو روبرویم.

مشغولیت به غلو در ذات و ابتلا به غلو در صفات

وی افزود: یکی از مهم‌ترین رازهای روایات غالیانه این است که ما مشغول به غلو در ذات شده‌ایم و خوشحال شده‌ایم که غالی در ذات نیستیم، اما از سوی دیگر به غلو در صفات مبتلا شده‌ایم و روایات غلو در صفات برای ما باقی مانده است.

صفری فروشانی بحث لازم دیگر در بازشناسی افراد متهم به غلو را متن‌شناسی دانست و اظهار کرد: ما باید روایات افراد متهم به غلو را استخراج کنیم و بعد ببینیم که از این روایات غلوی استنباط می‌شود یا نه. اگر این روایات مجموع شود بعد از مباحث اجتهادی پیرامون غلو نیز می‌تواند شکل بگیرد و علم رجال از حالت احتضار بیرون می‌آید و علم کلام ما هم که امروزه از پویایی برخوردار نیست، با واشکافی شدن مبانی نقلی آن، پویا می‌شود.

وی کمک گرفتن از علوم معین مانند تاریخ، فرقه‌شناسی و حتی علوم غیراسلامی مانند جامعه‌شناسی تاریخی، روانشناسی و ... را هم در این راه ضروری دانست و در نتیجه سخنرانی خود بیان کرد: ما باید رسماً باب اجتهاد در رجال را باز کنیم و به عنوان مقلدان علمای پیشین فقط به ذکر اقوال آنها بسنده نکنیم و با استفاده از جوانب مختلف به بازشناسی مسائل رجالی و رجال متهم به غلو دست پیدا کنیم و اگر این کار را انجام بدهیم، نزدیک می‌شویم به این‌که بتوانیم شاخصه‌های غلو در ذات را به دست بیاوریم، به گونه‌ای که بتوانیم با مخالفینمان که افراد درون‌گروهی هستند، به یک تفاهم برسیم.